



۵۴

داستان خانواده‌ای که خانه قدیمی خود را در دهه آخر ماه صفر در اختیار زائران قرار می‌دهند

رسم مهمان‌نوازی چهنوی‌ها

عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

مسجد امام حسین (ع)، از ۶۰ سال پیش
تکیه‌گاه معنوی اهالی خدربیک است
صفای شبستان کوچک

۶



۲

ساکنان و کاسبان خیابان گلبو درخواست
گشایش انتهای این معبر را دارند
بن بست بودن معبر اقتصادی محله

۷

خاطره رضا بسکابادی از اولین زیارت
مرقد امام حسین (ع) همراه ۸۰ هم‌محله‌ای
پرمخاطره، اما معجزه‌وار



ساکنان و کاسبان خیابان گلیو درخواست گشایش انتهای این معبر را دارند

بن بست بودن معبر اقتصادی محله

عطاییا خیابان گلیو در محله نیزه، یکی از معابر مهم و پرتردد این محدوده به شمار می رود. تقریباً همه واحدهای دوسوی این خیابان، تجاری است و نبض اقتصادی محله در این خیابان می زند. خط مینی بوس ۱۰۵۷ هم از خیابان شهید آوینی ۲۵ به داخل این معبر می پیچد و در طول آن تردد می کند. با این حال انتهای این معبر پرتردد، به دلیل وجود زمین بایری بن بست است و بین آن و خیابان شهید آوینی ۵۷ چند صد متر زمین فاصله انداخته است.



مسیر پرخطر مینی بوس

اولین مشکل، تردد سخت و پیچیده مینی بوس های شرکت واحد است. حدود یک سال است که از خیابان گلیو به سمت خیابان شهید آوینی ۵۷ مسیری از مابین کوچه های فرعی برای مینی بوس ها باز شده است، در حالی که تا قبل از این، مینی بوس ها در انتهای گلیو دور می زدند و برمی گشتند. اما در وضعیت فعلی هم مشکلاتی وجود دارد.

خط مینی بوس ۱۰۵۷ تا انتهای خیابان گلیو می آید، سپس باید از گلیو ۵۱، و در ادامه از معبر فرعی گلیو ۵۱.۲ مسیر خود را طی کند. این فرعی برای همه وسایل نقلیه، به استثنای مینی بوس ورود ممنوع است. سید مصطفی حسینی، رئیس شورای اجتماعی محله نیزه، درباره بروز تصادف های فراوان در همین معبر فرعی می گوید: وسط تابلوریز نوشته اند، به استثنای مینی بوس، که شاید به چشم خیلی ها نیاید. از آن سمت انتهای معبر هم خودروها و موتورها با تصور اینکه این معبر کلایک طرفه است، با سرعت وارد این فرعی می شوند تا در نهایت خود را به انتهای گلیو برسانند. خیلی از مواقع، ناگهان مینی بوس شرکت واحد را روی خودشان می بینند. او ادامه می دهد: ابتدا و انتهای معبر فرعی گلیو ۵۱.۲ با اینکه تنها چند متر طول دارد، دو پیچ خطرناک قرار گرفته است که مسیر دید راننده ها را محدود می کند. تازه این شرایط فصل تابستان است. زمانی که دانش آموزان دبیرستان رودکی می خواهند وارد مدرسه شوند یا تعطیل می شوند، این کوچه غلغله می شود و احتمال وقوع تصادف زیاد است.

معبری تجاری اما بن بست

کوروش ایوبی، ساکن محله که در حاشیه خیابان گلیو مغازه دارد، به اهمیت گشایش انتهای این معبر اشاره می کند. اومی گوید: اینجا دو

طرف تجاری است و عصرها پیاده رو و سواره رو خیابان از جمعیت پر می شود. چنین معبری نباید بن بست باشد. این فرعی که در انتهای خیابان برای مینی بوس باز شده یا فرعی هایی که دیگر خودروها از آن استفاده می کنند، اصلاً مناسب تردد آن ها نیست؛ چون در منازل ناگهان به سواره رو بازی می شود و هر لحظه احتمال تصادف عابران و خودروها وجود دارد. در اصل این معابر، کوچه هستند، نه خیابان و در حال حاضر چور ترافیک را می کشند.

این شهروند محله ادامه می دهد: مادرخواست می کنیم زمین های بایر انتهای خیابان گلیو که وسعت زیادی هم ندارد، از سوی شهرداری تملک شود و خیابان گلیو مستقیم به خیابان شهید آوینی ۵۷ راه داشته باشد.

گشایش مسیر در اولویت شهرداری منطقه

حسن صالحی مفرد، شهردار منطقه ۵، در پاسخ به این درخواست مردمی می گوید: قرار است معبری، خیابان های شهید آوینی ۵۳ و ۵۵ را به انتهای خیابان گلیو متصل کند. اراضی مورد نیاز را تعیین تکلیف کرده ایم و بخشی از این معبر باز شده است و مابقی هم به زودی باز می شود. طرح رایه کمیسیون ماده ۵ داده ایم و پس از تأیید طرح را کامل اجرا می کنیم و معبر آسفالت می شود.

صالحی مفرد درباره گشایش مسیر گلیو به شهید آوینی ۵۷ توضیح می دهد: اراضی بین این معابر معروف به «راضی شایگی» مشکلاتی دارد. به محض رفع این مشکلات، شهرداری می تواند برای تعیین تکلیف وارد شود و این موضوع در اولویت کار شهرداری منطقه قرار دارد. در مورد گشایش معبر بین شهید براتی و انتهای گلیو نیز ملکی قرار دارد که باید خریداری شود. به محض اینکه اعتبارات تملک سال جاری باز شود، از اعتبارات زود بازده استفاده می کنیم و با گشایش مسیر، دسترسی برای شهروندان سواره رو و ون های اتوبوس رانی تسهیل خواهد شد.



به دنبال گزارش شهرآرام محله
و به همت اداره خدمات شهری شهرداری منطقه ۵ انجام شد
پاک سازی کانال های خیابان شهید حسینی

عطاییا تنها چند روز پس از چاپ گزارش «تابستان بوی ناک» در تاریخ ۶ مرداد سال جاری، به دستور رئیس اداره خدمات شهری شهرداری منطقه ۵ کانال ها و جوی های خیابان شهید حسینی محله رضائیه با تانکر و تجهیزات شست و شو و پاک سازی شد. سید عباس زحمتکش در این باره توضیح می دهد: کانال های سرپوشیده و کوچک راکه ورود مقنی به آن ها ممکن نیست، با تانکرهای کانال شور به نوبت در همه محلات شست و شو می کنیم؛ اما مواد خاص درخواستی شهروندان را به صورت ویژه در دستور کار قرار می دهیم. از شهروندان می خواهیم باتوجه به خطرات احتمالی بروز بیماری و آلودگی پشه سالک از راه سازی آب فاضلاب در معابر شهری خودداری کنند. اگر شهروندی کماکان فاضلاب منزلش را در معابر رها کند، مجبوریم برای سلامت دیگر شهروندان نسبت به اعلام جرم و معرفی به مراجع قضایی اقدام کنیم.



کاهش ۶۰ درصدی ابتلا به سالک

طی ۱۰ سال گذشته و در پی اقدامات صورت گرفته در راستای پیشگیری از سالک، در منطقه ۵ آمار تعداد مبتلایان با کاهش ۶۰ درصدی از ۲۲ نفر به ۹ نفر کاهش یافته است. شهرداری منطقه، طی ۱۳۰ روز گذشته، یعنی از ابتدای سال تاکنون تعداد ۲۷۷ قلاده سگ و لگدر را جمع آوری و ۱۵۵ نقطه رانیز به منظور حذف جوندگان و حیوانات موزی طعمه گذاری کرده است تا امکان ابتلا به بیماری سالک از طریق حیوانات، کنترل و حذف شود. از سوی دیگر به ۲۳ درخواست شهروندان درباره جمع آوری حیوانات مزاحم رسیدگی شد و ۴۶ تن لاستیک و انواع ضایعات که می تواند به کانون لانه گزینی حشره سالک تبدیل شود، جمع آوری شد. همچنین بیش از ۵ هزار و ۳۰۰ تن خاک و نخاله از سطح زمین های بایر و اراضی رها شده جمع شد.



دوره آموزشی دوام ثامنی ها

دوره های آموزشی دوام ثامن با هدف آموزش کمک های اولیه در مواقع بحران، ویژه صد نفر از بانوان فعال در شورا های اجتماعی محلات منطقه ۵، در بوستان شهر بانوی وحدت در حال برگزاری است. این دوره ها به رایگان برگزار می شود و با مشارکت سازمان هلال احمر و گروه دوام ثامن شهرداری منطقه ۵ در حال اجراست. سرفصل هایی که در این دوره آموزش داده می شوند، شامل کمک های اولیه در بحران ها، کنترل خون ریزی، بانداز و پانسمان زخم، تثبیت شکستگی ها، احیای قلبی و ریوی، آمادگی در شرایط اضطراری، پدافند غیر عامل و حمایت روانی در بحران است.

همسایه به همسایه، دیدار بیست و پنجم، کوچه پورسینای ۵۰

روی من حساب کن

نیکو عقیده در کوچه پورسینای ۵۰، روابط همسایگی رنگ و بوی دیگری دارد. اینجا همسایه ها در شادی و غم کنار هم اند و مثل اعضای یک خانواده بزرگ کمک حال هم می شوند. مسجد حضرت علی بن ابی طالب^(ع) در انتهای کوچه، این صمیمیت و پیوند را تقویت کرده است. اینجا در هر مراسم مذهبی و فرهنگی، ساکنان کوچه شانه به شانه هم می ایستند؛ از پخت نذری گرفته تا کمک به نیازمندان. پایگاه بسیج بانوان هم در این مسجد فعال است و زنان محله را برای فعالیت های اجتماعی و فرهنگی گرد هم آورده. با سه نفر از بانوان پایگاه حضرت فاطمه^(س) محله پورسینا آشنایی می شویم که هر کدام به شکلی برای حفظ این همدلی تلاش می کنند.

● پای کار فرهنگی برای بچه ها

مهناز صفری پور، وقتی حدود ۲۵ سال پیش در این کوچه ساکن شد، محله هنوز خلوت بود و ارتباط ها محدود به سلام و علیک می شد؛ «وقتی بزرگ تر شدم و ازدواج کردم، با همسایه ها بیشتر اخت گرفتم.»

مهناز از حدود پنج سال پیش به طور رسمی در مسجد علی بن ابی طالب^(ع) و پایگاه بسیج فعالیتش را شروع کرده است و حالا سه سالی می شود که فرمانده این پایگاه است. فعالیت هایشان از جمله سامان دهی کمک های جهادی و برگزاری کلاس های کمک درسی، تربیت فرزند و فرزندآوری ادامه دارد. او می گوید: برای ما مهم این است که ساکنان این محله مثل نقاط دیگر شهر از همه امکانات فرهنگی و اجتماعی برخوردار باشند و احساس کمبود نکنند.

او انگیزه اش را خدمت به شهدا و رضایت همسایه هایش می داند و تأکید می کند که همین خدایا بر مری که می دهند و لبخندی که می زنند، برایش بهترین پاداش است. مهناز در پایان حرف هایش از مریم مرادی می گوید: «مریم از آن آدم هایی است که برای کار جمعی، می توانی رویش حساب کنی.»



● پر مشغله اما در خدمت همسایه ها

مریم مرادی بزرگ شده این کوچه است. او ۲۵ سال پیش ازدواج کرد و پس از ازدواج هم این محله را ترک نکرد. می گوید: ما اینجا کنار هم قد کشیدیم و سرد و گرم روزگار را چشیدیم. حالا مثل یک خانواده هستیم.

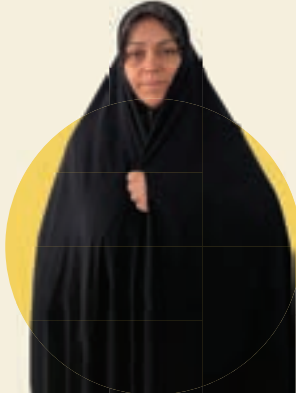
مریم خانم از سال ۱۳۹۵ به پایگاه بسیج پیوسته و اول در بخش فرهنگی و بعد در بخش اجتماعی فعالیت کرده است. خودش می گوید: مسجد محله ما به خصوص در ماه رمضان، نه تنها ساکنان این کوچه، بلکه چند محله را درگیر می کند. ما اینجا هر روز افطاری می دهیم. از دختران نوجوان برای کارهای پشت صحنه کمک می گیریم و هر کس هر کاری از دستش بر بیاید، انجام می دهد.

با اینکه مشغله زندگی کم نیست، مریم خانم همیشه برای فعالیت های محلی وقت دارد: «همین که با همسایه ها کنار هم باشیم و کاری برای یکدیگر انجام دهیم، حس خوبی داریم.» او در ادامه از طلعت بخشی یاد می کند: زنی مسئولیت پذیر که یکی از ساکنان همراه این کوچه است و او را به نام آشپز محله می شناسند.

● برای شاد کردن دل همسایه ها

طلعت بخشی سال ۱۳۷۶ به مشهد آمد. از همان ابتدای ورودش به محله، ارتباط خوبی با همسایه ها برقرار کرده و فعالیت هایش را در مسجد علی بن ابی طالب^(ع) شروع کرده است. بعد تر هم عضو پایگاه بسیج بانوان شده است اما خودش مهم ترین فعالیتش را آشپزی در مناسبت های مختلف محلی می داند. طلعت خانم آشپز مسجد است و در مناسبت های مختلف، دیگ غذا را به راه می اندازد. خودش تعریف می کند: ماه رمضان ها با پنج شش نفر از همسایه ها در مسجد سبزی پاک می کنیم و دیگ آش را برای افطار بار می گذاریم. گاهی سوپ هم درست می کنم اما اهالی، آشی را که درست می کنم، جور دیگری دوست دارند.

رو حیه مسئولیت پذیری و همکاری اش باعث شده است اهالی همیشه روی کمکش حساب کنند. برای او مهم نیست حجم کار چقدر است، مهم این است که دل همسایه ها را شاد کند.



حذف شاخه های آلوده به آفت چوب خوار

در راستای حفظ سلامت فضای سبز شهری و مقابله با آفات گیاهی، عملیات حذف شاخه های آلوده به چوب خوار پیرا کانتاد در بزرگراه بسیج با موفقیت انجام شد. کارشناسان فضای سبز با بررسی دقیق وضعیت گیاهان، شاخه های آسیب دیده را شناسایی و حذف کردند تا از انتقال آلودگی به سایر بخش های گیاه جلوگیری شود.

شهر خبر

بازپیرایی فضای سبز ابتدای بولوار هفده شهریور

عملیات بازپیرایی و اصلاح الگوی کاشت در بخش ابتدایی بولوار هفده شهریور با هدف بهینه سازی فضای سبز، مصرف بهینه منابع و ارتقای کیفیت عبور و مرور عابران پیاده اجرا شد. این اقدام شامل حذف پوشش های گیاهی نامناسب، جایگزینی با گونه های کم مصرف و اصلاح جانمایی فضای سبز به منظور سهولت تردد عابران بود.

طعمه گذاری برای کنترل جوندگان موذی

با هدف پیشگیری از انتقال بیماری های مشترک انسان و حیوان و حفظ بهداشت عمومی، عملیات طعمه گذاری در شبکه فاضلاب و منهول های سطح منطقه به اجرا درآمد. در این طرح، با استفاده از طعمه های استاندارد و مورد تأیید مراجع بهداشتی، کانون های فعالیت جوندگان موذی شناسایی شد و تحت کنترل قرار گرفت.

عطایی معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۶ در تکمیل پاسخ گزارش منتشر شده در شهرآرامحله به تاریخ ۱۳ مرداد با عنوان «در بسته رُویاها» از جزئیات تغییر کاربری سوله عملیات زمستانه در خیابان امیرآباد خبر داد.

حجت الاسلام والمسلمین محسن پاکدامن گفت: در بحث تغییر کاربری سوله امیرآباد، همکاری معاونت خدمات شهری شهرداری مشهد، اعضای شورای اسلامی شهر و شهرداری منطقه ۶ قابل تقدیر است. با تصمیم مدیریت شهری موافقت حاصل شد تا به دلیل کمبود فضای ورزشی، سوله امیرآباد در اختیار معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه قرار بگیرد تا تبدیل به سالن ورزشی شود؛ منوط بر اینکه سوله دیگری جهت امور خدمات شهری در محله امیرآباد یا محلات مجاور ساخته شود. وی افزود: برنامه ریزی ساخت سوله جایگزین در بولوار بصیرت جانمایی و اعتبار آن نیز پیش بینی شده و با طی مراحل مربوطه ساخته خواهد شد. آن طور که پاکدامن می گوید، امسال در سوله خیابان امیرآباد و در صورت انجام مراحل مالی، صرفاً سرویس های بهداشتی ساخته خواهد شد، اما آماده کردن آن به عنوان سالن ورزشی، در فاز بعدی صورت خواهد گرفت.



معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۶ درباره سوله امیرآباد خبر داد

تغییر کاربری به نفع مردم



داستان خانواده‌ای که خانه قدیمی خود را در دهه آخر ماه صفر در اختیار زائران قرار می‌دهند

رسم مهمان‌نوازی چهنویی‌ها

مهمانان این خانه خوشامد می‌گویند. از چهار سال پیش، رسمی زیبا در این خانه جان گرفته است؛ رسم پذیرایی رایگان از زائران امام رضا (ع) که از میهمان‌نوازی بی‌ریای مردم عراق در پیاده‌روی اربعین الگو برداری شده است.

واصلت این خانه دارند. این فضا متعلق به مرحومه فاطمه غفاریان و مرحوم حسین بخش ضیایی است که از این دنیا رفته‌اند اما حالاً قاب عکس آن‌ها روی یکی از دیوارها جا خوش کرده و نگاهشان آرام و مملو از رضایت است؛ گویی هنوز به

نیکو عقیده‌ای که پله‌ها را یکی یکی بالا می‌روم و قدم به خانه‌ای می‌گذارم که انگار از دل یک قصه قدیمی بیرون آمده است. دیوارهای سفید کوتاه، پرده‌های حریر سرتاسری که در نسیم تاب می‌خورند و پشتی‌های قدیمی ردیف شده دور تا دور اتاق... همه نشان از قدمت

همانند مهمان‌نوازی مردم عراق

طبق وصیت مرحوم فاطمه غفاریان حالا چهار سال است که این خانه را تبدیل به محل اسکان زائران و برگزاری روضه کرده‌اند اما فاطمه نصیری هم از سال‌ها قبل از این ماجرا آرزوی میزبانی از زائران را در دل داشته. آرزویی که سال ۹۳ با اولین سفرشان به کربلا به دلش افتاده است؛ «۱۱ سال پیش، در پیاده‌روی اربعین در یک خانه محقر عراقی مهمان شدیم. صاحب خانه با اینکه خانه کوچکی داشت، بهترین جای میزنش را به ما داد و خودش شب در آشپزخانه خوابید. آن سخاوت در عین فقر دل ما را لرزاند. همان‌جا نذر کردم و با خودم گفتم خدا یا! به من توفیق بده که در مشهد، کنار حرم، سهمی از میزبانی زائران حضرت رضا (ع) داشته باشم.»

همسرش، محمدتقی ضیایی، ادامه حرف‌های او را می‌گیرد: «همان سال وقتی از سفر کربلا برگشتیم، چند وقت بعد در یک شب بارانی، گروهی زائر در مانده و خسته در خانه ما را زدند. در بوستان چادر زده بودند و تمام وسایلشان خیس شده بود. آنجا فهمیدیم دعايمان مستجاب شده است. آن شب، خانه یکی از اقوام خوابیدیم و به مدت چند روز، خانه را در اختیار مهمان‌ها گذاشتیم.»

پناهی برای زائران

فاطمه نصیری و محمدتقی ضیایی با لبخندی صمیمی به استقبال می‌آیند. خانه خودشان چهار کوچه بالاتر است و مقرر مصاحبه را اینجا گذاشته‌ایم. اینجا که می‌گوییم منظورم خانه‌ای است که روزگاری منزل پدر مادر محمدتقی ضیایی بوده. فاطمه نصیری به قاب عکس‌های روی دیوار اشاره می‌کند: «پدر شوهرم سال‌ها پیش از دنیا رفته بود و این خانه در اصل خانه مادر شوهرم بود که وصیت کرد بعد از فوتش، اینجا محفلی برای ذکر امام حسین (ع) و پذیرایی از زائران آقا امام رضا (ع) باشد. حالا خانه‌اش هم محل برگزاری روضه است و هم پناهی برای زائران.»

نگاهش را از قاب‌های گیر وادامه می‌دهد: اینجا هم سادگی یک خانه قدیمی را دارد و هم وقار یک مکان مذهبی را.

یک محله میزبانی

آرزوی قدیمی آن‌ها حالا به بهترین شکل محقق شده و در محله رواج پیدا کرده است. چهار سال پیش، رسم میزبانی نه فقط در خانواده آن‌ها بلکه در محله چهنوبین اهالی پا گرفت. کم‌کم اهالی از زائران دعوت کردند و این رسم هر سال به خانه‌های بیشتری هم سرایت کرده است. تاجایی که حالا ستادی به نام ستاد اسکان زائران در مدرسه شاهد واقع در همین محله تشکیل شده است. ضیایی که عضو فعال این ستاد است، دهه آخر صفر کار و بار خودش را رها می‌کند و تمام وقت و انرژی‌اش را صرف خدمت به زائران می‌کند. او یک اغذیه‌فروشی در خیابان چهنودارد و اهالی می‌دانند که این ۱۰ روز در مغازه او بسته است.

محمدتقی ضیایی با افتخار از فعالیت‌های دیگر هم‌سایه‌ها هم در این ستاد می‌گوید: خانه‌های خالی محله را با هماهنگی بنگاه‌های املاک و رضایت مالکان، برای زائران آماده می‌کنیم. مدرسه شاهد هم پایگاه اصلی ماست و در مدرسه به زائران جای خواب می‌دهیم. صبحانه گرم، ناهار، شام و حتی حمل و نقل رایگان به حرم مطهر را هم فراهم می‌کنند. آقای ضیایی که قبل تراننده تاکسی بوده، زائران را از محل اسکان تا حرم هم می‌برده. می‌گوید: همه چیز در این ایام با کمک‌های مردمی و نیروهای جهادی فراهم می‌شود. بعضی‌ها حتی مخفیانه می‌آیند مدرسه شاهد، ظرف می‌شویند و می‌روند تا سهمی در خدمت‌رسانی داشته باشند.



مهمانانی از همه جای ایران

فاطمه نصیری هم در این روزها سالن زیبایی اش را تعطیل می‌کند و با کمک خانم‌های فامیل بیشتر به امور زائر سرایشان و پذیرایی از مهمانان می‌پردازد. او با شوق درباره مهمانان نشان می‌گوید: حالا از همه جای ایران مهمان داریم. اصفهانی، بروجردی، قمی... حتی یک گروه سی نفره پاکستانی مهمان ما بودند. با چه متانت و ادبی رفتار می‌کردند! مدام تشکر می‌کردند، هر روز خانه را مرتب می‌کردند و نمی‌گذاشتند ماکاری انجام بدهیم. او خاطرات بسیاری از مهمانان نشان دارد. از دختری نوجوان می‌گوید که زیارت اولی بود، همراه خانواده اش از تهران آمده و یادیدن خدمت رسانی میزبانان اشک شوقش جاری شده بود: «می‌گفت فکرش را هم نمی‌کردم که در مشهد چنین رسمی وجود داشته باشد و مردم تا این حد مهربان و همدل باشند. می‌گفت حس می‌کنم در خانه خودمان هستم و احساس غریبی نمی‌کنم.»



هیئت خانوادگی عاشقان ولی عصر (عج)

اما همه خدمات آن هابه دهه آخر صفر و پذیرایی از زائران امام رضا (ع) ختم نمی‌شود. آن هاحدود پانزده سال پیش، هیئتی خانوادگی به نام عاشقان ولی عصر (عج) تأسیس کردند. ضیایی درباره انگیزه تأسیس این هیئت می‌گوید: پانزده سال پیش، نیاز به تشکیل هیئتی را حس کردیم و با افراد خانواده و فامیل و همسایه ها کلید راه اندازی اش را زدیم. قبلا که این خانه نبود در قالب فعالیت های هیئت در خانه خودمان مراسم مذهبی مثل روضه، دعای کمیل، مراسم محرم و... برگزار می‌کردیم، جلسات هفتگی قرآن هم برای همسایه ها داشتیم. پس از راه افتادن حسینیة این برنامه ها به اینجا منتقل شد. به جز مراسم مذهبی برنامه های علمی و فرهنگی هم اینجا داشتیم؛ مثلا گاهی دانش آموزان محله در حسینیة اعتکاف علمی برگزار می‌کردند.



شوق خدمت

کاظم وارسته، داماد خانواده ضیایی از ابتدا عضو هیئت خانوادگی شان بوده و در مراسم مختلف مذهبی کمک حال است. او معلم است، اما در ایام دهه آخر صفر، بعد از پایان کار روزانه اش راهی خانه قدیمی شان در چهنوم می‌شود تا در پذیرایی از زائران سهمی داشته باشد. او در کارهای روزمره مثل آشپزی، خرید مایحتاج زائران و حتی بردن آن هابه حرم همکاری می‌کند و می‌گوید: ذوق و شوق زائران به ما انگیزه می‌دهد. وقتی می‌بینم از راه های دور آمده اند و شوقشان را برای زیارت می‌بینم، انگیزه می‌گیرم.

کاظم آقا خاطرات زیادی از حضور زائران در ذهن دارد. او گاهی به پارک های اطراف حرم می‌رود و از زائرانی که در مسیر حرم هستند، دعوت می‌کند که مهمان آن ها شوند. بسیاری از آن ها در ابتدا تعجب می‌کنند و فکر می‌کنند هزینه ای باید بپردازند. اما وقتی متوجه می‌شوند همه چیز رایگان است، خوشحال و شگفت زده می‌شوند. زائرانی از شهرهای مختلف ایران و حتی برخی مهمانان خارجی، این تجربه باعث شده کاظم حالا در شهرهای مختلف دوستان خوبی پیدا کند.

او با بخند ادامه می‌دهد: هر بار که می‌بینم کودکان و خانواده ها با آرامش و رضایت در خانه ما حضور دارند و از خدمات ساده ما بهره مند می‌شوند، خستگی روزانه از بین می‌رود و انرژی می‌گیرم. این نگاه ها و محبت هاست که هر سال انگیزه ما را برای ادامه این رسم زیبا بیشتر می‌کند.

برای او، این خدمت نه فقط یک وظیفه، بلکه فرصتی است برای مراد و باز زائران و دیدن شادی و آرامش در چهره هایی که از دورترین نقاط آمده اند تا در حرم امام رضا (ع) لحظاتی معنوی را تجربه کنند.



آرزوی ساخت حسینیة

هنگام خدا حافظی، فاطمه نصیری درباره انگیزه های دیگرشان برای خدمت رسانی می‌گوید: بعضی ها نا عادلانه رفتار مشهدهی ها را قضاوت می‌کنند. ما با ترویج این رسم سعی در تغییر این دیدگاه را داریم؛ اینکه مشهدهی ها مثل سایر هم وطنانمان مهمان نواز هستند و از زائران پذیرایی می‌کنند. اگر بداند افرادی هستند که بی چشم داشت از آن ها پذیرایی می‌کنند، دیگر این دیدگاه را ندارند. محمد تقی ضیایی هم از اهداف و آرزو های دیگرش می‌گوید: آرزوی ساخت حسینیة ای بزرگ تر برای اینکه بتوانند بهتر میزبانی کنند.

مهمان نوازی از زائران شیرازی

سعیده رفیعی و همراهانش تصور نمی‌کردند سفر زیارتی آن هابه مشهد به یکی از خاطرات شیرین زندگی شان تبدیل شود. چهار خانواده پر جمعیت بودند که به زیارت آمده بودند و قصد داشتند در یکی از پارک های اطراف حرم چادر بزنند. هنوز وسایلشان را باز نکرده بودند که محمد تقی ضیایی به آن ها نزدیک شد و پیشنهاد داد مهمان آن ها باشند. رفیعی درباره فضای قدیمی و صمیمانه این خانه می‌گوید: انگار در آن خانه، زمان متوقف شده بود. شبیه خانه های قدیمی توی قصه ها بود. حتی وسایل شخصی مادر مرحوم خانواده هنوز در جای جای خانه دیده می‌شد.

آن ها سه شب در این خانه اقامت داشتند. میزبانان نه تنها جای خواب و غذای گرم فراهم کردند، بلکه با چنان محبتی برخورد کردند که گویی سال ها است یکدیگر را می‌شناسند. به گفته رفیعی، عروس خانواده هر شب برای کودکان قصه می‌گفت و حتی بچه ها ارتباط خوبی با میزبانان مهربانشان برقرار کرده بودند. سعیده می‌گوید: تا آن روز نمی‌دانستیم در مشهد چنین رسم زیبایی وجود دارد. این سفر به خاطر مهربانی این خانواده، برای همیشه در یادمان می‌ماند.

این خاطره، تنها یکی از ده ها روایتی است که از میهمان نوازی اهالی محله چهنوم مشهد به جای مانده. رسمی که نه از روی تکلف، که از سر عشق و ارادت به امام رضا (ع) زنده نگه داشته شده است.



مسجد امام حسین^(ع)، از ۶۰ سال پیش تکیه‌گاه معنوی اهالی خدرییک است

صفای شبستان کوچک



سید محمد عطائی در دل کوچه پس‌کوچه‌های قدیمی محدوده خدرییک در محله مهرآباد، مسجد امام حسین^(ع) یادیارهای قدیمی و در فلزی کوچک، همچنان مثل چراغی سبز می‌درخشد. محراب جمع و جور، فرش‌هایی با نقش و نگار متفاوت و سادگی دل‌نشین فضا، یاد مساجد دهه‌های پیش رانده می‌کند. بیش از شصت سال پیش، اهالی خدرییک ابتدا حسینیه‌ای برپا کردند و پس از آن مسجدی ساختند که نام مبارک امام حسین^(ع) بر پیشانی‌اش نشسته است.

بناشده به دست اهالی

تاریخ اینجاریانمازگزاران سن و سال دارد خوب می‌دانند. رضاعلی یوسفی محمدآباد، متولد ۱۳۲۸، خود را بچه میدان باررضوی و روستای خدرییک قدیم، معرفی می‌کند؛ خانه پدری او هم همین جابوده است و چند نسل در همین روستا زندگی کرده‌اند. او تعریف می‌کند: این مکان در زمان اربابی، انبار گندم بود و بعد از اینکه بند و بساط اربابی جمع شد، حدود سال ۱۳۴۰ اینجار تبدیل به حسینیه و مسجد کردیم. سال‌ها بعد، یعنی سال ۱۳۵۷، با کمک مرحوم محمد محدث، پیش نماز و اهالی محله، بنای فعلی مسجد را ساختیم. غلامحسن فیض‌زاده، متولد ۱۳۲۸ و از ساکنان قدیمی این محدوده، از انس گرفتنش با این مسجد می‌گوید: «من از زمانی که اینجا انبار گندم و جو بود تا زمانی که دیوارهای کاهگلی‌اش را ساختیم و بعدها مسجد شد، در این مکان رفت و آمد داشتم و با آن خو گرفتم. زمانی که نوجوان بودم، بالای دیوار می‌رفتم و اذان می‌گفتم و حالا که پیر شده‌ام، همیشه برای هر وعده نماز جماعت، خودم را به اینجا می‌رسانم. چراغ این مسجد به پشتوانه همین مردم بومی و قدیمی روشن است. مسجدی که همیشه بخشی از هویت خدرییک بوده، نباید صف‌های نماز خلوت شود؛ اینجار با همه وجودم دوست دارم.»

مهر مسجد در دل اهالی

عزت قربانیان، هشتاد و یک ساله و پای ثابت برنامه‌های مسجد، می‌گوید: پنجاه سال است که به این محله آمده‌ام و از همان روز اول، خودم را عضوی از این مسجد می‌دانستم. قبلاً که روی پا بودم، در همه امور مسجد، چه جار کردن و شستن فرش‌ها و چه آشپزی و پذیرایی پای کار بودم. مهر اینجابه دلم نشسته و این لطفی است که خدای

دلم انداخته. این مسجد خیلی غریب است؛ مسجدی با این تاریخ و پیرایه، نباید تا این حد کمبود امکانات داشته باشد. خدیجه طرفه‌ای هم که بیشتر عمرش را در این محله گذرانده و از بانوان پای ثابت مسجد است، می‌گوید: از زمانی که یادم است، اینجا همین قدر ساده و کوچک بود؛ اما دم‌هایش خیلی با اخلاص هستند. مثلاً ماه رمضان که می‌شود، سفره افطاری داریم؛ ولی دیگر و پایه راد حیات‌خانه همسایه‌ها برپا می‌کنیم. من هم تانیمه شب می‌مانم و در شستن ظرف‌ها و تمیز کردن مسجد بادل و جان کمک می‌کنم. اینجار به خاطر نام امام حسین^(ع) خیلی دوست دارم؛ درست مثل اینکه خانه خودم باشد.

مسجدی از جنس جبهه‌ها

محمد تقی مؤدب، فرزند مرحوم حجت الاسلام شیخ حیدر مؤدب، از پیوند مسجد با سال‌های دفاع مقدس می‌گوید. پدر مرحومش ۲۳ سال در این مسجد، پیش نماز بوده و در همه این سال‌ها حتی یک ریال حق‌القدم دریافت نکرده است. او اکنون جای پای پدر گذاشته و مداح و روضه‌خوان مسجد است. او می‌گوید: مسجد مزین به قاب عکس چهارده شهید محدوده خدرییک است؛ جوان‌های بسیاری از همین جاعازم جبهه شدند. همچنین این مسجد پایگاه جمع‌آوری کمک‌های مردمی بود؛ هنوز به یاد دارم که شبستان مسجد تا نزدیک سقف، پر از هدایای مردمی می‌شد و آن‌ها را از همین جابرای جبهه بارگیری می‌کردند.



چشم انتظار حمایت

مسجد قدیمی است و حتی سرویس بهداشتی ندارد. در اصل، شبستان کوچک مسجد در طبقه همکف است و بالکن برای خانم‌ها؛ اما خانم‌های سالخورده نمی‌توانند از پله‌ها بالا بروند و همین باعث شده است نیمی از این شبستان کوچک بایر بماند. برای قسمت بانوان جدا شود. آشپزخانه کوچکی کنار این شبستان ساخته‌اند که به زحمت می‌توان در آن چای پذیرایی را فراهم کرد. یک روشویی کوچک هم برای وضو گرفتن کنار دیوار شبستان است. علی اصغر سالاریان، برادر شهید مهدی سالاریان است. پدرش، محمد آقا، در اثر سکت، قدرت تکلم را از دست داده است اما با همه ضعف بدنی، باز هم خودش را به نماز جماعت و مراسم مذهبی مسجد می‌رساند. علی اصغر می‌گوید: به خاطر دارم که از پنج سالگی همراه پدر اینجا می‌آمدم. به نظر من مسجد معنویت خاصی دارد؛ آن قدر ساده و بی‌ریاست که همه را مجذوب خودش می‌کند. به نظر هر کس اینجا کاری می‌کند، فقط برای رضای خداست و لا غیر.

حسین سالاریان کبیر هم از اعضای فعال اینجاست؛ او هرکاری از دستش برآید از لوله‌کشی تا سیم‌کشی برای رفع مشکلات مسجد انجام می‌دهد. حسین آقا و علی اصغر، جوانان پای کار این مسجد، هر دو دل‌پری از مسئولانی دارند که چندین بار قول داده‌اند، اما قدمی پیش نگذاشته‌اند. حسین آقا می‌گوید: این مسجد یک شبستان هشتاد متری دارد و حتی سرویس بهداشتی ندارد. باید مسئولان کمک کنند تا ملکی از همسایه‌های مسجد خریداری کنیم و حداقل سرویس بهداشتی بسازیم و فضای شبستان را کمی گسترش دهیم. حیف است این مکان که سال‌های سال چراغش روشن بوده و جوانان بسیاری را، مانند همین شهیدایی که قاب عکسشان بر دیوار مسجد نصب شده، تربیت کرده است، این چنین مهجور بماند.

علی اصغر هم می‌گوید: ما اهالی پای کار هستیم. از دل و جان هرکاری از دستمان بر بیاید برای این مکان مقدس انجام می‌دهیم؛ فقط کمک مسئولان می‌ماند.



خاطره رضا بسکابادی از اولین زیارت مرقد امام حسین (ع) همراه ۸۰ هم محله‌ای

پرمخاطره، اما معجزه‌وار



صندوق
خاطرات

تومان به صندوق مسجد محله بیردازیم؛ صندوقی که روزه روز
پریارتر شد و آرزوی همه را به واقعیت نزدیک کرد.

● راهی ناهموار، اما پر از امید

مرداد سال ۱۳۸۸، دو اتوبوس قدیمی که نه کولر داشته و نه حتی
پنکه‌ای، پر از زائران مشتاق می‌شود. رضا و همسرش به همراه
همسایه‌ها، دل به جاده می‌زنند. هر جا خبر رفتنشان می‌رسیده،
فامیل و دوستان گوشزد می‌کردند که «عراق ناامن است! ممکن
است خطر داشته باشد!» اما هیچ‌کدام از این حرف‌ها نتوانستند
شعله امید را در دل زائران خاموش کنند.



نزدیکی‌های مهران، درست قبل از رسیدن به مرز ناگهان اتوبوس‌ها
متوقف می‌شوند. رضا روایت می‌کند: «ایست بازرسی بود و خبر
داد مرز بسته است و باید برگردیم. دور هم جمع شدیم و زیارت
عاشورا خواندیم. ساعت‌ها گذشت و هیچ‌کس به فکر برگشتن
نبود. فردا صبح که شد، مرز باز شد؛ خبری که باورکردنش سخت
بود، اما واقعیت داشت.»

● زیارت در آرامش کامل

«ورود ما به خاک عراق با لحظاتی پر از امید، تردید و نگرانی
همراه بود. هنوز چند دقیقه‌ای بیشتر از ورودمان به خاک عراق
نگذشته بود که اتوبوس خراب شد! درست در همان لحظه،
یک اتوبوس عراقی قدیمی و سالم از ناگهجا سر رسید و راننده‌ای
مهربان ما را سوار کرد. این برای ما شبیه معجزه بود! با اتوبوس
جدید مسیر را ادامه دادیم و هر لحظه به حرم نزدیک‌تر
می‌شدیم.» رضا با صداقت از دل شوره‌ها و ترس‌هایی
که داشته می‌گوید و اینکه چگونه آن همه سختی و
نگرانی در لحظه دیدن حرم امام حسین (ع) به اشک
شوق بدل شد: «شکر خدا هیچ خطری ما را تهدید
نکرد. همه سختی‌ها و موانع انگار باد عای
جمعی مان حل می‌شد و ما در آرامش کامل
زیارت کردیم. وقتی امام حسین (ع) بطلبد،
همین می‌شود.»

نیکو عقیده ۱۳۸۸ تعدادی از اهالی محله شهید بسکابادی
عزم سفر کر بلا کردند. آن سال عراق ناامن بود و انفجارهای
انتحاری و درگیری‌های مسلحانه پیش می‌آمد. با همه
این‌ها چیزی جلودار اشتیاق اهالی برای زیارت نبود. تقریباً
همه هشتاد نفری که عزم سفر داشتند، زیارت اولی بودند و
قرار بود با دو اتوبوس تا مرز مهران بروند.
رضا بسکابادی یکی از همان زائران بود که همراه همسرش
عازم شده بود. او حالا هر سال این موقع به سفر کر بلا
می‌رود اما به یاد ماندنی‌ترین سفرش را همان زیارت اول
عتبات عالیات می‌داند.

● آرزویی که در دل‌ها جوانه زد

ایده سفر کر بلا نخستین بار در جلسات دوشنبه شب در خانه اهالی
محله شکل گرفت؛ همان همسایه‌هایی که دور هم جمع می‌شدند
و زیارت عاشورای خواندند. رضا بسکابادی از اولین کسانی بود
که با این تصمیم همدل شد. آن روزها خبری از کاروان‌های
پر شمار بود و نه زیارت اربعین چندان بین مردم رواج داشت.
اما در دل همه افراد آن جمع، شعله‌ای از شوق رفتن به
کر بلا روشن بود. بیشترشان اولین بارشان بود که پای
به این سفر می‌گذاشتند.
هزینه سفر آن زمان ۴۰۰ هزار تومان برای هر نفر
بود؛ مبلغی که برای بسیاری سنگین به نظر
می‌رسید. اما این موضوع مانع رفتن نشد. آقارضا
تعریف می‌کند: چند ماه پیش از حرکت، همه
تصمیم گرفتیم هر ماه مبلغی حدود ۱۵ هزار

بچه‌های گلشهری با برنامه «کمپ کتاب» یک تابستان فرهنگی را تجربه می‌کنند

با هم کتاب بسازیم



عیدگاه

این برنامه ادامه داشته باشد تا باز هم کنار
دوستانم کتاب درست کنم، چون بدون این
برنامه نمی‌توانم به خودم قول بدهم که نوشتن
داستان را ادامه بدهم.

دلناز حیدری که مشغول رنگ کردن نقاشی‌های کتاب گروهی‌اش
است، می‌گوید: برادرم شرکت در این برنامه را به من پیشنهاد کرد.
با خودم فکر کردم اینجایم می‌توانم خاطره خوبی بسازم و قبول
کردم. اینجا خیلی خوب است، ما بچه‌ها مهارت پیدا می‌کنیم و
یاد می‌گیریم برای کتاب درست کردن، باید بیشتر مطالعه کنیم
تا کارمان بهتر شود.

● قصه «اقیانوس بی انتها»

هنوز برنامه به نیمه نرسیده که مرتضی ابراهیمی همراه مهدی
اکبری و عرفان اکبریان به عنوان اولین گروه اعلام می‌کنند
کتابشان را ساخته‌اند. مرتضی می‌گوید: احساس خوبی دارم که
اینجا هستم؛ چون هم دوست‌های خوبی پیدا کرده‌ام هم یک
کار جدید یاد گرفته‌ام و با دوستانم کتاب درست کردیم که نام آن را
«اقیانوس بی انتها» گذاشتیم. داستان مادرباره دوماهی کوچک
است که نباید بدون اجازه پدر و مادرشان وارد اقیانوس شوند اما
می‌روند و در مسیر کوسه‌ای را می‌بینند و خیلی سختی می‌کشند
تا به خانه بازمی‌گردند.

المیرا رضایی (خبرنگار افتخاری) آروی میز از مداهای رنگی، خودکار،
برگه‌هایی برای نقاشی، رنگ، چسب و... پر است و بچه‌ها دور
میز نشسته‌اند. هر کدامشان کاری انجام می‌دهند و حس
رضایت و خوشحالی به خاطر اینکه می‌خواهند کتابی بسازند.
از خنده‌هایشان پیداست. انجمن دانشجویی «چراغ» با ابتکار
خود برای کودکان و نوجوانان نه‌تادوازده‌ساله گلشهری، تابستان
متفاوتی را رقم زده است.

امروز برنامه «کمپ کتاب» در منزلی واقع در خیابان گلریز ۱۰ در
محله شهید آوینی، پناهگاهی برای رشد فکری و ایجاد خلاقیت
کودکانی شده است که عاشق داستان و رؤیاپردازی هستند.
در این برنامه، بچه‌ها در کنار هم نه تنها داستان خلق می‌کنند،
بلکه یاد می‌گیرند چگونه با همکاری و همدلی دل‌هایشان را نیز
به هم نزدیک کنند.

● مطالعه بیشتر برای بهتر نوشتن

در «کمپ کتاب» هر کودک نقشی کلیدی دارد، از نوشتن کلمات
جادویی داستان گرفته تا خلق جلدی منحصر به فرد برای کتابش که
بازتابی از دنیای درونی اوست. نرگس میزبانی نوجوانی است که همراه
دوستانش، ستایش و دلناز یک گروه سه نفره تشکیل داده‌اند. او با شور
و شوق فراوان می‌گوید: ما کتابی تخیلی به نام «خرگوش زبردست»
درست می‌کنیم که در آن، حیوانات با آدم‌ها حرف می‌زنند. دوست دارم

● این بار خودشان کتاب می‌نویسند

بتول باقری، یکی از مربی‌های انجمن چراغ، می‌گوید: در برنامه
«کمپ کتاب» میزبان کودکان نه‌تادوازده‌ساله هستیم و هدفمان این
است که آن‌ها کتاب را از زاویه‌ای متفاوت ببینند و این بار خودشان
خالق کتاب باشند.

به گفته او برنامه شامل سه ایستگاه اصلی ایده‌پردازی و تصویرسازی،
داستان‌نویسی و طراحی جلد است و در پایان قرار است کتاب‌های
ساخته شده و دستاورد بچه‌ها از این برنامه را در یک نمایشگاه به
مردم نشان دهند.

باقری در ادامه توضیح می‌دهد: این کمپ به صورت خودگردان
و مردمی اداره می‌شود و آنچه این برنامه را برپا نگه داشته، حس
رضایتی است که از طرف بچه‌ها و خانواده‌ها به ما منتقل شده
است. همه تلاشمان را می‌کنیم که این برنامه ادامه داشته باشد
و بسیار مشتاقیم کودکان جامعه پیشرفت کنند و به همین دلیل،
خواهان تداوم این مسیر هستیم.

چهنو، مصلی، کارمندان اول، کارمندان دوم، شهید آقامصطفی خمینی، شیرین، امیرآباد، شهید معقول، کشاورز، پورسینا، ارونند، انصار، شهید باهنر، شهید بسکابادی، شهید شیروودی، شهید رستمی، کوی ۲۲ بهمن، کنه‌یست، شهید رجایی

محلات منطقه‌ها

مهدی‌آباد، رضائیه، سجادیه، حسین‌آباد، مهرآباد، امیرالمؤمنین(ع)، نیزه، شهید آوینی، ثامن، کوی سلمان، جلالیه

محله حسین‌آباد

علی اسماعیل پور طرقي

رئيس شورا



حجت الاسلام محمد حسين پورسلطاني زندي

نماینده مساجد



تکتم عباس نژاد سراب

نماینده جوانان



سمیرا جهاني

نماینده دوام ثامن



رضا داوخواه

نماینده سازمان بازاریابی



شهریانو حسن زاده

نماینده بانوان



سیده تکتم موسوی

نماینده بسیج



محمد تقی فلکی

نماینده ساکنان



فاطمه پرورش

نماینده تشکله‌ها



هادی بخشی

نماینده توان‌یابان



مصطفی فریدی محب سراج

نماینده کسبه



حجت الاسلام حسين مودني

نماینده مساجد



محمد رضا تقی پور رناني

رئيس شورا



امیر علی رضائي

نماینده جوانان



ابولقاسم لائي

نماینده ساکنان



طاہره امید

نماینده ساکنان



حامد قاسمي

نماینده ساکنان



کبری سالاري

نماینده ساکنان



کبری خدابخشي درج

نماینده بانوان



وحيد چاکر الحسيني

نماینده کسبه



محمود رضا شهبازي درج

نماینده بسیج



محله رضائیه

۵



معرفی اعضای شورای اجتماعی محلات محله حسین‌آباد، رضائیه، جلالیه، سجادیه

محله جلالیه

محمد رضا مهدی زاده باغدار

رئيس شورا



حسن علی مقدم

نماینده ساکنان



جواد رضایی

نماینده ساکنان



زهرا فرهادی فارمد

نماینده بانوان



رضا داوخواه

نماینده سازمان بازاریابی



سید محمود وزیری کنگ علیا

نماینده اپتارگران



سمیرا جهاني

نماینده دوام ثامن



محمود باخرد

نماینده ساکنان



علیرضا غیوری راد

نماینده جوانان



منصوره رضائي

نماینده ساکنان



مصطفی رضایی

نماینده بسیج



اعظم سفرکرده اول

نماینده مدارس



سید حسین غریبی

رئيس شورا



زینب دهقان پور

نماینده بهداشت



رضا داوخواه

نماینده سازمان بازاریابی



سیده اعظم حسینی امین

نماینده توان‌یابان



هما خاکشوری

نماینده بانوان



طاہره باقی ریاطی

نماینده ساکنان



سیده زهرا سرور

نماینده بسیج



محمد علی مهمان نواز

نماینده ساکنان



محله سجادیه